

# به نرمی باران

به نرمی باران

جشن نامه فریدون مشیری

به کوشش علی دهباشی

سخن و شهاب، ۱۳۷۸

نظر تک نگاه

فریدون مشیری نزدیک به پنجاه سال در حوزه شعر فعالیت مستمر داشته است، حاصل این فعالیت، چاپ بیش از ده دفتر شعر است که همه آنها از سوی خوانندگان جوان استقبال شده است شاید به سادگی بتوان گفت، فریدون مشیری معروفترین و محبوبترین شاعر معاصر ایران است و اگر چه شعرهایش از بنیانهای فکری استواری بهره‌مند نیستند اما در قلوب همه خوانندگان دختر و پسر جای دارد تا جایی که شاید به جرأت بتوان گفت کمتر خواننده شعر فارسی، شعر کوچکی را نخوانده و یا ازیر نشده است. از اینرو گرامیداشت یاد و نام فریدون مشیری به شکلی گرامیداشت شعر است و شاید از این طریق بتوان پیوندی دوباره میان شعر و خواننده برقرار کرد.

«به نرمی باران» که به کوشش علی دهباشی فراهم آمده مشتمل بر ده بخش است. خاطراتی از فریدون مشیری، نقد و بررسی آثار، گفت و گوها، سرودهایی برای مشیری، مقالات مشیری، گزیده اشعار، کتابشناسی و عکس‌ها و اسناد بخشی از فصول ده‌گانه جشن نامه را تشکیل می‌دهد.

در جشن نامه «به نرمی باران» مقالاتی از دوستان مشیری، خوانندگان آثار، آریاب موسیقی سنتی آمده است. مقالاتی از دکتر عبدالحسین زرین کوب، شفیع کدکنی، اسلامی ندوشن، شهرام ناظری، فرهادفخرالدینی، محمدرضا شجریان و... در این جشن نامه آمده است. برخی از این مقالات برای اولین بار چاپ می‌شود اما برخی از آنان سالیان قبل در مطبوعات داخل کشور چاپ شده بود و دهباشی با نظمی خاص آنها را در این کتاب آورده است. مقالاتی که در جشن نامه فریدون مشیری آمده است، اهمیت یکسانی ندارند برخی از ارزش انتقادی فراوانی برخوردارند و پاره‌ای از آنان فقط برای ادای دین به استاد نوشته شده‌اند و متضمن نکته یا سخن قابل تأملی نیست. از بخش‌های خوب جشن نامه مربوط به فهرست آثار و ترانه‌های مشیری است که به کوشش علی هاشمی فراهم آمده است اما جای خالی سالشمار زندگی و آثار فریدون مشیری در این جشن نامه بخوبی حس می‌شود و اگر کتابشناسی با دقت بیشتری فراهم می‌شد، ارزش دو چندان داشت.

جشن نامه مشیری به پاس نیم قرن شاعری فریدون مشیری فراهم آمده است. کوشش و تلاش برای بزرگداشت یاد پیران فکر و شعر ایران زمین همواره ستودنی است.

«یک روز از روزهای زرد و زار» یا در سطرهای چهارم و پنجم: «و هر روز که می‌گذشت / او شیداتر می‌شد» را می‌توان این گونه نوشت:

«هر روز او شیداتر می‌شد» چرا که در خود «هر روز» گذشتن و تکرار هم نهفته است.

یا در شعر «من و تو و آینه» (ص ۴۱) نگریستم در سطر اول به خود برمی‌گردم اما سطر دوم چیز دیگری می‌گوید: «خود را در آینه نگریستم / تو را دیدم...»

به نظر «نگریستم در اینجا به جای «جست و جو» آمده که در این صورت شاعر می‌توانست دو سطر اول را این چنین بنویسد: «خود را در آینه جست / تو را دیدم» وقتی به این سطرها می‌رسیم:

«به هوای دیدن تو / در برابر آینه ایستادم / هیچ ندیدم» یقین می‌کنیم که جست‌وجویی در کار بوده و باز می‌توان این سطرها را هم چنین نوشت:

«تو را در آینه جست / هیچ ندیدم»

در شعرهای «در جاده (ص ۱۵)»، «از این پس» (ص ۲۲)، «ایده‌نگاری» (ص ۲۵) و «رها شده» (ص ۷۸) شاعر کوشیده با استفاده از شکل‌های هندسی، فرم بصری را هم در شعرهایش دخیل کند. این تجربه در شعر کلاسیک فارسی و در شعر بعد از نیما - برای مثال در شعر طاهره صفارزاده - و هم چنین در شعر دیگران - برای مثال آپولینر - به کار گرفته شده اما نتوانسته جایگاه خاصی بیابد یا چیز به شعریت یک شعر بیافزاید.

«شعر بی‌هوازی» در عین اینکه چند شعر خوب را هم در برگرفته اما در شاخه شعر متعارف نیز نتوانسته از عهده برآید. رها دوست البته جدی‌تر از این حرف‌هاست و امیدواریم که مجموعه‌های دیگر شعرش با شعرهای خوب بیشتری انتشار یابد.

□  
کارکرد زبان در اغلب شعرهای این مجموعه متعارف است:

«چه ساده‌ام که می‌پندارم / با نفرین مارها می‌میرند» ص ۱۹  
یا

«گفتم: زخمم / گفت: شفا دارد / گفتم: این زخمم / خندید و گفت: زخمی نیست که زمان نتواند...» ص ۲۷  
نحو و لحن در کمتر جایی از زبان کتابت عدول کرده است:

«نیمه شب بود که خبر دادند / در آن سوی زمین / خورشید خاموش شده است» ص ۳۷

رها دوست همچنین در اغلب شعرها با استفاده از فعل در آخر جمله مقدار زیادی از انرژی شعرها را گرفته است.

برای نمونه به سه فعل می‌زیند، می‌بینند و بزرگ می‌شود در آخر این سه سطر توجه کنید:

«... اینجا در دامنه زنانی می‌زیند  
که هر بار بارشان را می‌بینند  
خوشبختی‌شان بزرگ می‌شود...» ص ۵۳

یا این سطرها از شعر قصه باد صبح را بخوانید:

«یکی از روزهای پاییز بود که پاییز / عاشق شد / عاشق تابستان / و هر روز که می‌گذشت / او شیداتر می‌شد / و معشوق دور تر. / یک روز از روزهای زرد و زار / صدای باد صبح را شنید / که در گوشش گفت: / - / می‌خواهی به او برسی...؟» ص ۷۹

آیا در شعر روایی باید از زبانی استفاده کرد که تشدیدکننده روایت آن هم از نوع خطی‌اش باشد. برخورد با زبان در این شعر حتا با سهل‌انگاری همراه بوده است.

«یکی از روزهای پاییز بود» در سطر اول می‌تواند حذف شود چرا که شش سطر بعد دوباره همین نکته تکرار می‌شود:

شهرام رفیع زاده

# شعر بودن؟